

مصاحبه‌شونده: دکتر علی پورجوادی

مصاحبه‌کننده: سیدمصطفی هاشمی

تاریخ مصاحبه: ۹۴/۱/۲۷

دانشکده: شیمی

سوابق علمی و اجرایی خودتان را بگویید

متولد تهران هستم به سال ۱۳۲۷ در محله قنات آباد خیابان مولوی. از آنجا که پدرم علاقه مند به مبانی دینی بود مرا روانه یکی از مدارس تازه تاسیس جامعه تعلیمات اسلامی کرد و من تمام دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان و دبیرستان جعفری اسلامی واقع در بازارچه شاهپور گذراندم. در سال ۱۳۴۵ پس از اخذ دیپلم ریاضی در رشته شیمی دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی فعلی) پذیرفته شدم. با توجه به اینکه این رشته تازه تاسیس شده بود و برای حفظ کیفیت سختگیری های خود را داشت ولی مع الوصف از طرف وزارتخانه به عنوان دانشجوی ممتاز شناخته شدم. پس از اخذ کارشناسی و گذراندن دوره خدمت نظام با عنوان افسر وظیفه زرهی در شیراز و همدان در سال ۱۳۵۱ برای ادامه تحصیل روانه فرانسه شدم. در سال اول با وجود مشکلات زبان توانستم گواهینامه ای در زمینه شیمی فیزیک با عنوان طیف‌سنجی و پیوندهای شیمیایی از مدرسه عالی مهندسی شیمی دانشگاه ارن مولوز اخذ کنم و بدین ترتیب نظر مثبت پروفیسور سیگوال را برای ادامه تحصیل در دانشگاه پاریس ۶ (پی‌یر و ماری کوری) جلب نمایم. گفتمنی است پس از انقلاب فرهنگی ۱۹۶۸ فرانسه دانشگاه بزرگ و جامع سوربن به ۱۳ دانشگاه تخصصی تبدیل شد و دانشکده علوم (فکولته دو سیانس) آن، دانشگاه پاریس ۶ یا پی‌یر و ماری کوری نام گرفت و نام دانشگاه سوربن برای دانشکده های ادبیات، زبان‌شناسی و علوم اجتماعی محفوظ ماند. ناگفته نماند دو دانشگاه پاریس ۶ و پاریس ۴ از سال ۲۰۱۸ در یکدیگر ادغام می شوند و با عنوان دانشگاه سوربن به فعالیت‌های خود ادامه

خواهند داد. در سال ۱۳۵۲ دیپلم مطالعات عمیق و در سال ۱۳۵۳ دکتری سیکل سوم خود را در شیمی پلیمر اخذ کنم. استادان راهنمایم دکتر سیگوالت و دکتر اسپاسکی با توجه به نظر لطفی که نسبت به اینجانب داشتند تریبی اتخاذ کردند که دفاعیات رساله به ریاست پروفیسور شامپوتیه پدر شیمی پلیمر فرانسه در حالیکه دوران بازنشستگی خود را می گذراند برگزار شود. در سال ۱۳۵۴ به ایران بازگشتم و جذب اداره کل صنایع غذایی و دارویی وزارت صنایع و معادن شدم. ناسازگاری محیط با روحیه و خلق و خویم باعث شد در خرداد ۱۳۵۶ بار دیگر راهی فرانسه شوم و در همان دانشگاه ولی این بار در آزمایشگاه شیمی سنتز ماکرومولکولهای پروفیسور مارشال مشغول شوم. در سال ۱۳۵۹ پس از اتمام دوره دکتری دولتی (یا اتا) به ایران برگشتم که همزمان بود با انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها. پس از تاسیس ستاد انقلاب فرهنگی که بعدها نام شورای انقلاب فرهنگی را به خود گرفت مسئولیتهايش به دو زیر مجموعه جهاد دانشگاهی و کمیته ترجمه و تالیف و تصنیف کتب دانشگاهی محول شد و اعضای هیئت علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در سراسر کشور می بایست با این دو زیرمجموعه همکاری می کردند. گفتنی است وظیفه اصلی جهاد امور پژوهشی و وظیفه کمیته تولید کتابهای دانشگاهی بود. این کمیته بعدها نام خود را به مرکز نشر دانشگاهی تغییر داد. در واقع از بدو تاسیس مرکز نشر دانشگاهی در آذرماه ۱۳۵۹ افتخار همکاری با این موسسه را پیدا کردم. شایان ذکر است مدیریت با ثبات و مستمر و نیز همکاری مشتاقانه اعضای هیئت علمی دانشگاهها این مرکز را پس از چند سال به بزرگترین بنگاه انتشاراتی علمی خاورمیانه تبدیل کرد و الگویی شد برای سایر موسسات انتشاراتی دانشگاهی و خصوصی تولید کتاب. همکاری من با این مرکز تا سال ۱۳۸۴ برای مدت ۲۵ سال ادامه داشت که بخش مهمی از کارنامه فرهنگی خود را مدیون این همکاری می دانم. سال ۱۳۶۱ پس از دو سال تعطیلی، دانشگاهها بازگشایی شدند و من بلافاصله جذب دانشکده شیمی دانشگاه صنعتی شریف شدم. البته دانشکده شیمی اولین دوره پذیرش کارشناسی را در بهمن ۱۳۶۲ انجام داد. شرایط خاصی در آن دوره بر دانشگاه حاکم بود. دانشگاه بسیاری از اعضای هیئت علمی خود را از دست داده بود. به عنوان نمونه از ۲۲ عضو هیئت علمی دانشکده شیمی تنها شش نفر به اسامی دکتر ارشدی، دکتر نجفی، دکتر معطر، دکتر ترپوگوسیان، دکتر مستقیم و مهندس موسوی تا زمان بازنشستگی خود در دانشکده حضور داشتند. از تحصیلات تکمیلی تنها تعداد انگشت-

شماری دانشجوی ارشد باقی مانده بودند که بیشتر علاقه‌مند به امور سیاسی بودند. این افراد با استخدام چند فارغ التحصیل همین دانشکده زیر نظر جهاد دانشگاهی با در اختیار داشتن شش آزمایشگاه پژوهشی به طور مستقل به امور پژوهشی می پرداختند. بعدها در سال ۱۳۶۸ جهاد دانشگاهی ضمن انتقال وسایل آزمایشگاهی به ساختمانهای جدید خود واقع در ضلع شمال شرقی دانشگاه منتقل شد. فعالیت تازه دانشگاه با جنگ تحمیلی همزمان شده بود و بدین ترتیب شرایط و اولویتهای خاصی حاکم بود. فراموش نمی کنم یکی از موشک‌هایی که جلوی دانشکده شیمی فرود آمد گرچه در یکی از روزهای تعطیل اتفاق افتاد و خوشبختانه خسارت جانی نداشت ولی به ساختمان دانشکده و به ویژه به آزمایشگاههای آن خسارت زیادی وارد کرد. پنجره‌ها از چارچوب درآمده بودند صدها شیشه مواد شیمیایی شکسته شدند و خرده‌شیشه‌های آن تا عمق دیوارهای بتنی فرورفته بودند. خوشبختانه انبارهای مواد شیمیایی دانشکده که به لحاظ مقدار و تنوع یکی از مجهزترین انبارهای موجود در دانشگاههای کشور بود صدمه‌ای ندید. با توجه به سرما و وضعیت نابسامان و مسائل ایمنی مدیریت دانشگاه تصمیم گرفت برای نیمسال دوم سال تحصیلی ۶۶-۶۷ کلیه کلاسها را در طبقه اول و دوم هتل استقلال (هیلتون سابق) برگزار کند و این کار انجام شد. گفتنی است در آن ترم تحصیلی دروسهای عمومی و آزمایشگاهها حذف و فقط دروسهای تخصصی در هتل برگزار شد. یادمان نمی رود حتی پس از مراجعت به دانشکده برای یکی دو ترم بسیاری از پنجره‌های کلاسها و آزمایشگاهها شیشه نداشت و با نایلون پوشیده شده بود. بعدها هم به علت کمبود شیشه، هر نوع شیشه‌ای که در بازار بود به پنجره‌ها نصب می شد. خیلی مایل بودم در محل اصابت موشک یادبودی ساده با لوحی از شرح واقعه نصب می شد ولی علی‌رغم پیگیری‌هایی که شد این کار عملی نشد. خوشبختانه دانشگاهیان با وجود شرایط سخت جنگ و تحمل مشکلات و کمبود امکانات به خوبی توانستند از عهده برگزاری دوره‌های تحصیلی برآیند. دانشکده شیمی اولین دوره کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۶۵ با پذیرش سه دانشجو و اولین دوره دکتری را در سال ۱۳۷۰ با دو دانشجو آغاز کرد. با افزایش تدریجی دانشجویان تحصیلات تکمیلی امور پژوهشی نیز جان تازه‌ای گرفت. بنده اولین دانشجوی دکتری را در سال ۱۳۷۶ پذیرفتم که تاکنون بیست نفر در این مقطع دانش‌آموخته شده‌اند. همگی ایشان به‌عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاهها و مراکز پژوهشی کشور خدمت می کنند. البته در مقطع کارشناسی

ارشد نیز قریب شصت نفر رساله خود را زیر نظر اینجانب گذرانده‌اند. حاصل تلاش آنان انتشار بیش از ۱۸۵ مقاله در مجلات بین‌المللی و ۱۲۰ مقاله در همایشهای داخلی و بین‌المللی بوده است. به لحاظ تامین مواد شیمیایی اگرچه انبار دانشکده شیمی از پیش از انقلاب یکی از غنی‌ترین انبارهای شیمیایی در کشور بود و نیازهای دانشکده را تا حدودی تامین می‌کرد ولی الحاق دانشگاه نیز در برآورده کردن نیازهای دانشجویان همکاری خوبی داشت. این در حالی است که به لحاظ دستگاههای پژوهشی همیشه با مشکل مواجه بودیم. در مجموع به نظر می‌رسد دانشگاه صنعتی شریف نتوانسته است در این مدت همپای دیگر دانشگاهها نسبت به تامین و نوسازی دستگاههای پژوهشی خود گامهای موثری بردارد. ناگفته نماند در این ارتباط وزارت علوم نسبت به وزارت بهداشت همیشه ضعیف‌تر عمل کرده است. دانشگاه صنعتی شریف پیشتاز بودن خود را مرهون سه عامل می‌داند: جذب کادر هیئت علمی قوی، گزینش رتبه‌های بالای دانشجویان مستعد و همکاری کادر اداری دلسوز.

عضو شورای برنامه نویسی گروه شیمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۶۹-۱۳۹۰)، عضو گروه واژه‌گزینی شیمی و شورای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۷۴ تا کنون)، رییس دانشکده شیمی دانشگاه صنعتی شریف (۱۳۸۷-۱۳۹۳)، استاد نمونه کشوری (۱۳۸۵)، پژوهشگر برتر استان تهران (۱۳۸۶)، دانشمند برتر کشورهای اسلامی (COMSTEC) (۱۳۸۷)، پژوهشگر نمونه دانشگاه صنعتی شریف در پنج دوره (۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۹۲)، یک درصد اول پراستنادترین شیمیدان جهان براساس رتبه بندی ISI، شیمیدان برجسته شیمی آلی کشور از طرف انجمن شیمی ایران (۱۳۹۴). (۱۳۹۲).